

یادگار خیاط‌ها در کوچه باغ‌عنبر

امید حسینی‌نژاد

شاید قدیمی‌ترها محله بالاخیابان مشهد را در ابتدای قرن ۱۴ خورشیدی به خاطر داشته باشند. در منتهی‌الیه این خیابان باغ‌های سرسیزی قرار داشت و نهرهایی که به سمت شهر مشهد جاری می‌شد، از این محله عبور می‌کرد. آب و هوای دل‌چسب این محدوده هنوز در خاطر متولدین دهه‌های نخستین قرن پیش‌به یادگار مانده است. آن زمان مشهد آن قدر بزرگ نبود و این شهر تنها چند محله مشهور داشت که حرم مطهر امام‌رضاع^۱ را چون مروریدی میان صدف خود گرفته بودند. «باغ عنبر، بخشی از همان محله بالاخیابان است که این روزها پایه‌ی پای شهر تغییر شکل داده اما در این میانه یک پلاک باقی‌مانده که تا ریخ بلند و اصیل خود را حفظ کرده است. باغی که در سال‌های نخست قرن گذشته تبدیل به حسینی‌های تاریخ‌ساز شده و این روزها با قدمت ۱۵۰سال هنوز هم جان دارد و فعال است. سطرهای بعدی گذری است بر شکل‌گیری این حسینیه که یادگار جمعی از خیاطان مشهدی است و فرا رسیدن روز ملی خیاط سبب یادکردن از آن شده است.

● باغ عنبر یا باغ خلوت‌خانه

باغ عنبر در زمان قاجار به نوعی در ابتدای شهر قرار داشته است. قدیمی‌ها به یاد دارند که امتداد بالاخیابان به سمت غرب تا دروازه قوچان فعلی، گذرگاه بی‌قواره‌ای بوده که در آن نشانی از پیشرفت دیده نمی‌شده است. همچنین در این نقاط که هنوز خیابان‌های عرضی و منظمی شکل نگرفته بوده، جوی‌های متعدد آب، روان بوده است.
سوای این‌ها، اینجا به واسطه وجود باغ‌های فراوان و واقع‌شدن ورودی شهر از سمت شمال، کاروان‌سراهای بزرگی که محل نگهداری اسب و شتر بوده و کارگاه‌های دباجی، صباغی (رنگرزی)، انبار‌های غله و بوجاری (غربال غلات و حبوبات) نیز در آن متمرکز بوده‌اند. از باغ عنبر حالا فقط نامی بر یک کوچه، آن‌هم در اذهان قدیمی‌های مشهد، باقی مانده است. نویسندگان کتاب مکتب شاپور، باغ عنبر را متعلق به «عنبر» غلام گوهرشاد خاتون دانسته‌اند.^(۱) برخی دیگر معتقدند که احتمالاً این منطقه در تملک خاندان عنبریان از خاندان‌های مهم خراسان که در «تاریخ بیبق» این فندق نیز نامشان ذکر شده، بوده است. در اسناد آستان قدس رضوی نیز از باغ عنبر به عنوان یکی از موقوفات آستان قدس رضوی نام برده شده است. اسناد قابل توجهی با عنوان پرداخت مواجب «حق التولیه» و «حق النظاره» و پرداخت حقوق باغبانان و کارگران این منطقه وجود دارد. اما با نگاهی به این اسناد به نامی جدید در کنار باغ عنبر بر می‌خوریم. «باغ خلوت‌خانه» یکی دیگر از نام‌هایی است که برای «باغ عنبر» در اسناد نوشته شده است.

● باغ حاجی رجب

اما حسینیه خیاط‌ها چطور در این باغ پر عطر و

رنگ سقف و ستون می‌خورد؟ برابر روایات و اسناد، سال ۱۳۴۵ قمری (۱۵ آبان ۱۳۰۵ خورشیدی) حاجی رجب صفار که مالک یکی از باغ‌های «باغ عنبر» بوده در آخر عمر تصمیم می‌گیرد، این باغ را وقف امور دینی و خیریه کند. همین می‌شود که بخشی از باغ را وقف ساختن حسینیه و بخش دیگر آن را وقف امور فرهنگی می‌کند. وقفی که وقف‌نامه آن با جزئیات مصارفی از سوی بازماندگان نوشته و اجرا شده است.

● تکیه حاج رجب یا حسینییه ابوالفضلی خیاط‌ها

البته از زمان نوشتن وقف‌نامه در سال ۱۳۰۵ خورشیدی تا زمان بنای اولیه حسینیه حاج رجب اطلاعاتی در دست نداریم. به احتمال قوی سال‌ها پس از نوشتن این وقف‌نامه، تکیه‌ای در این مکان ساخته و مراسم عزاداری در مناسبت‌های گوناگون در آن برگزار شده است. همچنین طبق اسناد موجود در سال ۱۳۴۹ خورشیدی این تکیه با همت چند خیاط سرشناس مشهدی تجدید بنا و مدیریت این تکیه زیر نظر آن‌ها انجام شده است. این تکیه که بعدها به حسینیه ابوالفضلی خیاط‌ها مشهور شد، سبب برگزاری برنامه‌های دینی و مذهبی مهمی در این مکان شده است. جالب است بدانید که حاج رجب نیز در همین مکان دفن شده و قبر او اکنون در طبقه پایین حسینیه قرار دارد. یکی از افراد تأثیرگذار این حسینیه مرحوم حاج صادق مشکی‌یاف مقدم بوده است. او مغازه خیاطی در خیابان ارگ مشهد با نام «خیاطی آسیا» داشته که هنوز نیز این مغازه در همان مکان پابرجاست. سال ۱۳۶۹ خورشیدی تجدید بنای دوم این حسینیه صورت می‌پذیرد. به‌گفته علی مشکی‌یاف مقدم، پدرش با مرحوم محمدزاده معمار که معمار پاساژ حکیم مشهد بوده، توافقی انجام داده تا این

بنا را به صورت فعلی بسازد که در سال ۱۳۷۱ به پایان رسیده است.

● جلسه قرآن حسینیه خیاط‌ها

حاج صادق مشکی‌یاف مقدم علاقه زیادی به تلاوت قرآن داشته است. به‌گفته استاد هاشم روغنی، استاد و قاری بین‌المللی قرآن، او یک سال پس از تجدید بنای اولیه حسینیه در سال ۱۳۵۰ خورشیدی جلسه قرآنی در این مکان راه‌اندازی می‌کند که در آن دوره چند استاد برجسته قرآن مشهد در آن حضور داشته‌اند آن‌چنان که فضای قرآنی مشهد با حضور این استادان گرمایی وصف‌ناپذیر می‌گیرد. ناگفته‌نماند که در ابتدا، بیشتر این جلسات در مسجد گوهرشاد برگزار می‌شده ولی کم‌کم این جلسات به صورت خانگی نیز برگزار می‌شوند.

علی مشکی‌یاف مقدم، یکی از فرزندان مرحوم مقدم درباره شروع جلسه قرآن حسینیه می‌گوید: «در همان ابتدا از استاد علی مختاری خواست که جلسه قرآن را مدیریت کند. مرحوم مختاری که خود نیز از شاگردان مرحوم سید حسین حافظیان، صدراالقرا آستان قدس رضوی بود، شاگردان زیادی در مشهد تربیت کرده بود. شب‌های چهارشنبه هر هفته این جلسه با حضور تعداد زیادی از قاریان مشهدی برقرار می‌شد.»

استاد سید مرتضی سادات فاطمی، صدراالحفاظ آستان قدس رضوی، یکی دیگر از استادانی بوده که از سال ۵۱ به عنوان مربی قرآن در این مکان حضور داشته است. او درباره اولین حضورش در جلسه قرآن حسینیه خیاط‌ها می‌گوید: «هفده سال بیشتر نداشتم که خویشاوند پدری ام به نام حاج آقا رئیسی جلسه قرآنی را در میدان شهدا، کوچه باغ عنبر در حسینیه خیاط‌ها به من پیشنهاد داد، به مرحوم پدرم گفت، ما



اعضای جلسه قرآن حسینیه خیاط‌ها در دهه ۴۰ خورشیدی

نیاز به معلم قرآن داریم، اگر آقا مرتضی بیاید، جلسات ما پا می‌گیرد و جوانان را جذب می‌کنیم، سپس با موافقت پدرم جلسه را قبول کردم و به آنجا رفتم.»

وی از جمله کسانی بود که دعوت از استاد علی مختاری را برای مدیریت جلسه قرآن این حسینیه پیشنهاد داد. او در این باره می‌گوید: «تا سال ۵۱، ۵۲ در حسینیه خیاط‌های (ساختمان) قدیم، به عنوان مربی حضور داشتیم، در ابتدا دوره در یک اتاق کوچک برگزار می‌شد و آرام آرام با آمدن نوجوانان و جوانان گرم شد، بعدها پیشنهاد دادم برای اینکه جلسه‌ما جدی‌تر و حساسی‌تر شود، باید استاد علی مختاری بیاید، با حضور وی محفلمان رونق گرفت طوری که با کمبود جا مواجه شدیم پس سالن بزرگ‌تری را برای جادادن جمعیت و جانمایی اگو، دستگاه‌های صوتی و... در نظر گرفتیم.»

شاید به جرئت بتوان گفت جلسه قرآن حسینیه خیاط‌ها در آن زمان، با حضور جوانان تازه‌نفس و مشتاق و استادان بزرگ شهر، باشکوه‌ترین جلسه مشهد بود که شخصیت‌های برجسته ملی و بین‌المللی قرآنی امروز همچون مرحوم حاج محمد کاظم محمدزاده و استاد هاشم روغنی در زمره شاگردان ممتاز استاد علی مختاری و این محفل به شمار می‌روند. در دوره‌های بعد این جلسه به مدیریت مرحوم حاج کاظم محمدزاده ادامه پیدا کرد و پس از او نیز استاد هاشم روغنی مدیریت این جلسه را برعهده گرفت. تابه امروز چراغ این جلسه در شب‌های چهارشنبه روشن نگه داشته شده است و جمعیت زیادی از دوستداران قرآن برای شنیدن آیات کلام الهی در اینجا حضور پیدا می‌کنند.

۱. مهدی سیدی **مصحح کتاب در باورقی صفحه ۵۲** این مطلب را ذکر کرده است



حاج جواد صف‌زاده، حاج مجید جودویی، مرحوم استاد حاج احمد هروی استاد حاج سید مرتضی سادات فاطمی، مرحوم استاد حاج علی مختاری مرحوم استاد حاج محمد کاظم محمدزاده، مرحوم استاد حاج محمد علی اوحدی.



مسابقات قرآن اوقاف مشهد در حسینیه خیاط‌ها سال ۱۳۶۲



نمای فعلی حسینیه خیاط‌ها در کوچه باغ عنبر

نگاهی کوتاه به سرنوشت یک خانه تاریخی در کوچه نواب صفوی

«حناساب» کوچه تاجر‌ها

سال دانسته است. در این کتاب همچنین آمده است که این ساختمان، منزل مسکونی حاج علی اصغر حناساب بوده است و او حدود هفتادسال پیش آن را به حاج عباس اشکذری فروخته است و پیش از تخریب هم به فردی به نام علی شهری واگذار شده است. بنا در یک طبقه همکف ساخته‌شده و در دو طرف خیاط‌مستطیلی، تابستان و زمستان نشین داشته است. مصالح این ساختمان نیز شبیه دیگر خانه‌های تاریخی مشهد

گروه تاریخ و هویت| مرحوم دکتر تقی وحیدیان کامیار، محقق و استاد دانشگاه جندی شاپور اهواز و دانشگاه فردوسی مشهد، در یکی از مقاله‌هایش درباره لہجہ مشهدی چنین می‌گوید: «نزدیک‌ترین گویش به فارسی معیار، گویش مشهدی است، به‌طوری‌که اصیل‌ترین و ریشه‌دارترین فارسی را می‌توان از مردم این شهر شنید. برخلاف تصور عامه که ریشه‌های زبان فارسی را از فارس و شیراز می‌دانند، فارسی دری اصیل از توس قدیم، نیشابور و مشهد کنونی انتشار یافته‌است، این یعنی لغات و اصطلاحاتی که در ادامه می‌آید تنها اندکی از بسیار کلمات اصیل فارسی است که با هم مرور می‌کنیم.

با کلمات اصیل فارسی

لهجہ مشهدی

کاشی آبی

گروه تاریخ و هویت| خانه تاریخی حناساب واقع در خیابان نواب صفوی در دوره قاجار ساخته شده است و هجده سال پیش، ثبت ملی می‌شود. اما این بنای ۳۷۶مترمربعی به دلیل نداشتن استحکام کافی تخریب شده است. آن‌طور که در کتاب «هویت مشهد، نوشته محمدهادی درودی بیان شده، درباره قدمت و سال دقیق ساخت بنا اطلاع دقیقی در دسترس نیست فقط آخرین مالک، عمر آن را حدود صد

رویداد تقویم

به مناسبت ورود نخستین اتومبیل به مشهد

اتول دکتر پوزین در کوچه ایران



طوبی اردلان از روزی که چرخ‌های نخستین ماشین، جاده‌های ایران را زیر پا انداخت، ۱۲۲ سال می‌گذرد. این اتول یا کالسکه دودی که سقفی برزنتی داشته، در حالی گذر کرد که شاه بی تصدیق قاجار، مسافر آن و فرمان در دست یک راننده فرانسوی بود. تقویم‌ها به خاطر دارند که مظفرالدین‌شاه در یکی از سفرهایش به اروپا، این چهارچرخه آهنی را دید و چنان شیفته شد که آن را خرید، در حالی‌که خانه کشور خالی بود و نصیحت کارگزاران مبنی بر نبود نیاز به این غول آهنی، کارگر نمی‌افتاد.

سیزده سال بعد (سال ۱۲۹۲ خورشیدی) نخستین اتومبیل از سوی یک پزشک آلمانی در دوران ریاست کاشف‌الملک بر بلدیہ وارد مشهد می‌شود. ملک‌الشعراى بهار که در آن روزگار، مدیریت روزنامه نوبهار را برعهده دارد، شخصا دست به قلم می‌شود و این خبر را در جریده خود، درج می‌کند. اودر هفتمین شماره جریده‌اش که ۲۶ صفر ۱۳۳۲ هجری قمری به چاپ رسیده است، می‌نویسد: «چند روز قبل یکم صفر ۱۳۳۲ قمری، برابر با ۹ دی ۱۲۹۲ خورشیدی مطابق ۵۳۰ سامبر ۹۱۳ میلادی، یک دستگاه اتومبیل از راه طهران وارد مشهد شد. این اول اتومبیلی است که به خراسان آمده و مقدم آن را باید محترم شمرد. زیرا شمایل میمون اتومبیل دلیل هیکل ماشین‌های بخاری و ترن‌های زیننده است. می‌توانیم امیدوار شویم که آن‌شاه... به‌زودی از همین راه، راه‌آهن به طرف ما نزدیک شود. صاحب اتومبیل، دکتر پوزین، آلمانی، نماینده فابریک (لوسیس- برونینگ) در شهر هویت آلمان است. این اتومبیل از انزلی به رشت و قزوین و از آنجا به همدان و اصفهان و شیراز و کرمانشاه و عراق و طهران سیر کرده و از طهران هم به مشهد آمده است. طول مسافرت اتومبیل از طهران تا مشهد نوزده روز بوده ولی حساب پیمایش راه و حرکت اتومبیل کلا در تمام مسافرت ۴۲ ساعت بوده است،، بهار برای تکمیل خبرش، مصاحبه‌ای با صاحب نخستین اتومبیل مشهد هم می‌گیرد که در آن، دکتر پوزین می‌گوید: «من تمام راه‌های ایران را با اتومبیل طی کرده‌ام، بهتر از راه شریف‌آباد که تازه تعمیر شده است، راهی صاف و قابل تحسین در ایران ندیده‌ام. پس از یک‌ماه توقف از راه تربت و ترشیز (کاشمر)، در میان لوط (کویر لوت) زده به کرمان رفته، از آنجا به یزد و از یزد به اصفهان و از آنجا به بغداد خواهیم رفت.»

● تأسیس نخستین آموزشگاه رانندگی مشهد

ناگفته‌نماند که رواج اتومبیل در مشهد خیلی زودتر از آسفالت‌شدن خیابان‌ها رخ می‌دهد، یعنی هنوز خیابان‌های مشهد برای گذر اتومبیل‌ها آماده نبوده که ماشین‌سواری رواج می‌یابد. آن‌چنان‌که ۱۲ سال پس از ورود اتول، نخستین آموزشگاه رانندگی در مشهد تأسیس می‌شود. «پرنده، اولین آموزشگاه رانندگی مشهد است که به مشهدی‌های مشتاق، اصول فرمان گرفتن و کار با گاز و دنده را می‌آموزد. این آموزشگاه که به «دارالشوفر پرنده» مشهور بوده، در سال‌های نخست تأسیس، سالی یک‌مرتبه از داوطلبان امتحان فن رانندگی می‌گرفته است.

● یادی از نخستین تصادف ثبت‌شده در جراید

برابر اسناد موجود و آمارهای درج‌شده در سال ۱۳۱۲ خورشیدی، ۱۵۳ اتومبیل شخصی در مشهد وجود داشته است ولی با اینکه خیابان‌های آن روز، قانون چفت‌وبست‌داری هم برای رانندگان نداشتند، آماری از تصادف اعلام نشده است نخستین خبر تصادف به ۹۴ سال پیش بازمی‌گردد که در آن، «غلامحسین درویش» معروف به «درویش‌خان»، یکی از موسیقی‌دانان نامدار ایران، بر اثر برخورد درشکه‌اش با ماشینی که روزگاری متعلق به مظفرالدین‌شاه بوده، فوت می‌کند. او نخستین کشته تصادف در ایران است. در خراسان هم وضع به همین منوال است. درواقع در مطبوعات دوره قاجار و حتی پهلوی اول، هیچ خبری از تصادف اتومبیل‌ها با اتومبیل و عابر برای مشهد درج نشده و جنجالی‌ترین خبر، تصادف یک هواپیما با تاکسی در طرق است که سال ۱۳۴۴ منتشر شده است. در این خبر که ۲۲ خرداد این سال در روزنامه خراسان به چاپ رسیده، چنین آمده است: «آقای حسن روبندفروش ساعت چهار و نیم بعداز ظهر روز جمعه که قصد داشت برای آوردن خانواده خود به رباط طرق واقع در هفت کیلومتری مشهد برود، با هواپیمای غول‌پیکر ارتش شاهنشاهی که حامل آقایان و کلا بوده، تصادف می‌کند و ...»

● یادی از پالکی و ماشین سیمی

اما پیش از ورود اتومبیل به مشهد، عمده سفرها با اسب و استر یا گاری و پالکی صورت می‌گرفته است. سرعت این وسایل نقلیه زیاد نبوده و آن‌طور که برآورد شده است، هر کدام در شبانه‌روز تنها می‌توانسته‌اند صد کیلومتر را بپیمایند. برای همین مسافرت از مشهد به تهران دست‌کم بیست روز زمان می‌برده است. با پیدایش ماشین و رواج مسافرت با اتومبیل اما ورق برمی‌گردد و به یک‌باره این مدت به یک‌پنجم کاسته می‌شود. دیگر مسافران تهران می‌توانستند حداکثر چهارروزه خود را به مشهد برسانند. نخستین نوع خودرو مسافربری به اسم «ماشین سیمی» مشهور شد. این خودرو به وانت سقف‌داری شبیه بود که دیواره طرفین آن را از تور سیمی درشت و مقاومی درست کرده بودند که هیچ قسم صندلی و نیمکتی هم نداشت. مسافران ناچار بودند اثاثیه و رختخواب‌های خود را در کف ماشین بچینند و خودشان روی آن‌ها زانو به زانو بنشینند. از این لحاظ، ماشین سیمی با گاری چهار چرخه، تفاوت چندانی نداشت ولی سرعت آن‌ها با یکدیگر مقایسه شدنی نبود. هم‌زمان با ورود خودرو به مشهد، رفت‌وآمد زوار هم افزایش یافت و به دنبال آن، همه مشاغلی که به‌نحوى با زوار در ارتباط بودند، به‌شکل بی‌سابقه‌ای رونق گرفتند.



شهریار

شماره ۱۵۳۲
شماره ۱۵۳۲
شماره ۱۵۳۲



تاریخ و هویت